

رساله در متعلقات به صنعت دلاکی

به کوشش ماندانا رضوی زاده

با آماده شدن بستر جامعه برای تحولات اجتماعی و فرهنگی از دوره صفویه، رفته رفته دگرگونی‌هایی در زندگی طبقات گوناگون مردم ایجاد شد. حضور روز افزون مستشاران و پزشکان اروپایی در سرعت یافتن تحولات بی‌تأثیر نبود. در دوره قاجار، وجود افراد هوشمند و با درایت در ساختار حکومت ایران و حضور روشنفکران نوگرا در بطن جامعه، به این تحولات سرعت بخشید و تأثیر آن را گسترده‌تر و عمیق‌تر کرد. عباس میرزا، قائم مقام فراهانی و امیرکبیر، از چهره‌های نامدار دوره قاجارند که هر کدام سهم برجسته‌ای در تحقق بخشی از این تغییرات دارند.

از دوره فتحعلی‌شاه قاجار، رفته رفته با بالا رفتن آگاهی‌های عمومی و فرهنگ جامعه، برای بهبود کیفیت بهداشت عمومی، پیشگیری و کنترل بیماری‌ها، تلاش‌هایی، هرچند کم‌اثر انجام شد. این تلاش‌ها با تأسیس نهادهای احتسابیه، بلدیه و انجمن حفظ الصحه گسترش پیدا کرد. این نهادها وظیفه کنترل و رسیدگی به کیفیت انجام کار در اصناف و مشاغل و کیفیت بهداشت در مراکز عمومی و اماکن و نظافت در شهرها را به عهده داشتند.

در هنگامه این تلاش‌ها و در سال‌های ابتدایی سلطنت ناصرالدین شاه، رساله‌ای به نگارش درآمد که از جنبه تنوع در ارائه اطلاعات و معرفی زندگی، آداب و عقاید مردم درباره بهداشت فردی و حمام، در نوع خود منحصر به فرد است. ساختار این رساله، شباهت به دستنامه‌ای دارد برای کار و فعالیت دست‌اندرکاران فعالیت در حمام‌ها.

۱ تکمیل همایون، ناصر، تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران. تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی: شهرداری تهران، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۸۶.

رساله در متعلقات به صنعت دلاکی / ماندانا رضوی زاده

نگارش دستورالعمل و دستنامه در روزگار گذشته، بی سابقه نیست و در سالیان دورتر، محتسابانی به کیفیت مشاغل رسیدگی می کردند. در قرن هفتم هجری، کتابی به نام *معالم القریه فی احکام الحسبه*، تنها اثر شناخته شده ابن اخوه نوشته شد. او که خود محتسبی سختگیر بوده است، در این کتاب قوانین و احکام شرعی احتساب، رسیدگی به کار بازار و کوی و برزن و خرید و فروش و جلوگیری از تقلبات در مشاغل مختلف را طرح کرده است.^۱ در این کتاب، بخش هایی با نام «درحسبت بر گرمابه ها و بیان و سود و زیان گرمابه»، «درحسبت سدر فروشان» و «درحسبت فضادان و حجامان» وجود دارد. ابن اخوه درباره ویژگی های حمام، سود و زیان آن، وظایف گرمابه داران، بهداشت حمام و وظایف فضادآ و چگونگی حجامت، نکته های سودمندی آورده است.

رساله ای که این پژوهش سعی در معرفی آن دارد، رساله ای است درباره دلاکی با نام رساله در *متعلقات به صنعت دلاکی*، نوشته محمد کریم بن محمد ابراهیم کرمانی (۱۲۲۵ - ۱۲۸۸ ق.) که در سال ۱۲۷۰ ق. / ۱۳۳۲ ش. نگارش شده است.

محمد کریم کرمانی، از علمای نامی قرن سیزدهم و از شاگردان شیخ احمد احسائی بوده است. او بعد از فوت سید کاظم رشتی، جانشین او شد و مؤسس فرقه کرمانیه، یکی از شعب فرقه شیخیه در کرمان شد. کرمانی کتاب ها و رساله های بسیاری در موضوعات گوناگون دارد. برخی از آنها در زمان خود به چاپ سنگی رسیده و برخی به شکل نسخه خطی به جای مانده است. کتاب های او با موضوعات: فلسفه، خداشناسی، دین، فقه، صرف زبان عربی، صرف زبان فارسی و پزشکی است. برخی از این کتاب ها عبارتند از: *تقویم العوج*، *ارشاد العوام* و *رساله ای در عقاید شیخیه* دو کتاب از این میان، از نظر موضوعی، نزدیک تر به رساله در *متعلقات به صنعت دلاکی* است: *حقائق الطب* [نسخه خطی]، ۱۲۸۱ ق. و *رساله ای در عطرکشی* [نسخه خطی] ۱۳۰۶ ق.

رساله در *متعلقات به صنعت دلاکی* محمد کرمانی، شرحی است مفصل بر ویژگی های معماری حمام، آداب حمام رفتن، وظایف گرمابه دار و دلاک و معرفی کارهایی که در حمام انجام می شده است. او همچنین وظایفی را که بر عهده دلاک بوده، بر شمرده است؛ وظایفی چون: کیسه کشیدن، مشت و مال دادن، سلمانی، حجامت، رگ زدن، کشیدن دندان و ختنه کردن. در این رساله از دیدگاه توصیه های دینی و بهداشتی، درباره هر کدام از این وظایف گفتگو شده است. نویسنده برای بیان نظرات خود، در ابتدای هر باب به بیان روایات و احادیث پیامبر (ص) و ائمه (ع) پرداخته است. درباره اصالت برخی از این روایات، می توان تردید کرد. در این رساله درباره زنان و کودکان گفتار زیادی نیامده است. اشاره های بسیار کوتاهی به رنگ کردن مو و نحوه گرفتن ناخن زنان دارد و درباره کودکان به بیان چند توصیه گذرا به هنگام کیسه

۱. شعاع، جعفر، *آئین شهرداری (معالم القریه فی احکام الحسبه)*، محمد بن احمد معروف به ابن اخوه. تهران، به اهتمام شهرداری تهران، تاویل، ۱۳۸۶. ص شش هفت.
۲. رگ زدن.

کشیدن، سنگ پا کردن و حجامت کردن بسنده کرده است. باب نهم «در ختنه کردن» است که نسبت به دیگر باب‌ها بسیار کوتاه است به شکل کامل درباره آداب تولد کودکان است.

از رساله در متعلقات به صنعت دلاکی، پنج نسخه خطی شناسایی شده است:

۱. [رساله دلاکی]، ۱۵ شعبان ۱۲۷۰ ق.، ۱۰×۱۷ س. م، ۱۲ سطر (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران)^۱

۲. [صنعت دلاکی]، شعبان ۱۲۷۰ ق.، ۱۰×۱۹ س. م، ۱۳ سطر (کتابخانه نوربخش خانقاه نعمت‌اللهی)^۲

۳. [دلاکی]، کاتب: ابوطالب بن محمد تقی مشهور به میرزا آقا، پانزدهم شعبان ۱۲۷۰ ق.، ۵/۱۶×۱۰ س. م، سطور مختلف (کتابخانه بزرگ حضرت آیه‌الله مرعشی نجفی)^۳

۴. [رساله در صنعت دلاکی]، چهارم محرم ۱۲۷۲ ق.، ۱۷×۱۱ س. م، ۱۴ سطر (کتابخانه مجلس شورای اسلامی)^۴

۵. [رساله در صنعت دلاکی]، پانزدهم شعبان ۱۲۷۰ ق.، ۱۰×۱۷ س. م، ۱۴ سطر (نسخه ناقص) (کتابخانه ملی ایران)^۵

برای نگارش این مقاله، به نسخه‌های کتابخانه ملی، کتابخانه مرکزی دانشگاه و کتابخانه مجلس شورای اسلامی مراجعه شد. تفاوت برجسته‌ای بین نسخه‌ها از جنبه متن و خصوصیات کتابت دیده نشد (به غیر از نسخه کتابخانه ملی که ناقص است و تنها شامل مقدمه کتاب است). این مقاله براساس نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی نوشته شد.

رساله در متعلقات به صنعت دلاکی یک مقدمه و ده باب دارد و باب ششم در «رگ زدن و حجامت نمودن و زالو انداختن»، از دیگر باب‌ها مفصل‌تر است.

نام باب‌ها به این ترتیب است:

مقدمه «در باب حمام و طرز ساختن آن»؛ باب اول «در حمام رفتن»؛ باب دوم «در کتاب‌های متعلقه به

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱، تهران، دانشگاه تهران، ص ۱۳۹

۲. دیباجی، ابراهیم، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه نوربخش خانقاه نعمت‌اللهی، ج ۲، تهران، خانقاه نعمت‌اللهی، ص ۲۳۹-۲۴۱

۳. مرعشی، محمود، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیه‌الله مرعشی نجفی، ج ۸، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیه‌الله مرعشی نجفی، ص ۱۳۰-۱۳۲

۴. حائری، عبدالحسین، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۲، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۴۷، ص ۱۷۱

۵. در سه نسخه بررسی شده در کتابخانه‌های ملی، مرکزی دانشگاه و مجلس شورای اسلامی، به غیر از نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه، عنوانی ذکر نشده است عنوان «رساله دلاکی» در ابتدای نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه ذکر شده است، ولی بر اساس بررسی کاربرگ‌های کتابخانه‌ها و فهرست‌های گوناگون و اطلاعات پایگاه نسخه خطی آقا بزرگ که هرکدام عنوان‌های متفاوتی را برگزیده بودند، عنوان قراردادی در متعلقات به صنعت دلاکی که نویسنده در مقدمه به آن اشاره کرده است را برگزیدم.

حمام؛ باب سوم «در زایل کردن مو از بدن»؛ باب چهارم «در کیسه کشیدن و سنگ پا به کار بردن و مالش دادن»؛ باب پنجم «در خضاب کردن»؛ باب ششم «در رگ زدن و حجامت نمودن و زالو انداختن»؛ باب هفتم «در کشیدن دندان»؛ باب هشتم «در ناخن چیدن»؛ باب نهم «ختنه کردن» و باب دهم «در شانه کردن و عطر به کار بردن».

همان طور که اشاره شد، این رساله شرح مفصلی است درباره حمام، آداب حمام و عقاید مذهبی در این باره؛ بنا بر این می توان از زاویه های گوناگون، به بررسی آن پرداخت و با نتیجه گیری های متفاوتی روبرو شد. در این مقاله تلاش شده است آنچه که آداب مردم در حمام رفتن را به نمایش در می آورد، ابزارها، داروها و گیاهانی که برای حمام کردن مورد استفاده قرار می گرفته است، معرفی شود؛ همچنین عقاید سنت گرا و مقاومت در مقابل مظاهر نوگرایی و گرایش های دیگر معرفی شده اند.

محمد کریم کرمانی پس از حمد پروردگار در مقدمه رساله، هدف خود از نگارش رساله را شرح می دهد: «و بعد چنین گوید کریم بن ابراهیم که برادر روحانی کربلائی رضا شهیر به سلمانی، مدت های مدیدی بود که خواهش کرده بود از حقیر که رساله برای او بنویسم در متعلقات به صنعت دلاکی و مرا اشتغال زیاد بود که مانع بود از تألیف آن لهذا سال ها به تأخیر افتاد و ایشان مکرر اظهار می کردند و اصرار می نمودند تا در این اوان که استخاره کردم از خداوند عالم در شروع به رساله برای ایشان و امر صادر شدن به آن لهذا شروع کردم به نوشتن این رساله و آن را مبتنی کردم بر مقدمه و چند باب»^۱.

در مقدمه بر اساس طبایع چهارگانه، توصیه هایی برای ساخت حمام دارد: «بدان که حمام بنائی است از وضع حضرت سلیمان، چنان که نقل کرده اند و بعضی گفته اند که از وضع حکماست و حمام باید چهارخانه باشد تا بر نهج اعتدال باشد. خانه اول باید سرد و خشک باشد که در آن نباشد و خانه دوم باید سرد و تر باشد؛ یعنی حرارت آتش به آن نرسد و آب سرد داشته باشد و خانه سیم گرم و تر باشد که بخار اندرون خانه به آنجا برسد و آب هم داشته باشد و چهارم خانه باید گرم و خشک باشد که حرارت آتش در آنجا قوی باشد و هوایش به نهایت گرم باشد که عرق آورد و رطوبت های بدن به واسطه عرق کم شود و به آن واسطه گرم و خشک باشد...»^۲

او همچنین به ویژگی های معماری حمام و رسیدگی به شرایط بهداشتی آن اشاره های مفصلی کرده است: «و بدان که حمام باید سقش بلند باشد تا هوایش به جه^۳ مردم و عفونت چرک ها و زیر آب ها و متوضاها فاسد نشود و روزن ها داشته باشد که هر زمان هوای آن متعفن شود، شیشه های آن را بردارند تا هوای متعفن بیرون رود؛ بلکه اگر هم شب بعد از بیرون رفتن مردم، چند ساعتی بعضی از روزن ها را بردارند که عفونت بیرون رود، بهتر است ... حمام باید کهنه باشد که بوی صاروج و آهک و گل ندهد و

۱. کرمانی، محمد کریم بن محمد ابراهیم [در متعلقات به صنعت دلاکی]، ۱۲۷۲ ق. [نسخه خطی] [کتابخانه مجلس شورای اسلامی]، ص [۱] .

۲. همان، ص [۱-۲] .

۳. به معنی به جهت

بعضی گفته‌اند که هفت سال از بناش گذشته باشد و باید رخت کن حمام بسیار سرد نباشد که در هنگام بیرون آمدن ضرر رساند و چاهش عارض شود... و حذر کنند بسیار از افروختن ذغال، چه در جامه کن و چه در گرم خانه که سم قاتل است، بلکه حذر کند از گذاردن آتش، اگر چه سوخته باشد... و همچنین در گوشه و کنار، حمام به هیچ وجه نگذارد که کثافات جمع شود و بماند و بخار کند و هوا را فاسد کند، چرا که اگر هوا متعفن شد، کثیرالضرر است، خاصه برای دلاکان و کسانی که بسیار در حمام می‌مانند.^۱ همچنین می‌نویسد: «بهتر آن است که حمام بسیار وسیع باشد که هوایش از بوهای بد و دود قلیان و نفس‌های مردم، به زودی متعفن نگردد و بهتر آن است که بسیار روشن باشد که حمام مفرح است ... بهتر آن است که حمام را سفید کنند که سبب روشنایی می‌شود و تفریح می‌آورد و زمین حمام باید سخت باشد تا عفونت قبول کنند و آب در آن نفوذ نکنند و نماند...»^۲

در پایان مقدمه، مخاطب گفتار خود را روشن می‌کند: «این مجملی است از امر حمام که نوشته شد به جهت آنکه هر کس می‌سازد و مباشر می‌شود، چنین کند و غیر آنها در چنین حمامی روند و از غیر آن اجتناب کنند تا ان شاء الله به سلامت باشند و الحال شروع می‌کنیم به بیان ابواب»^۳

نویسنده در نخستین باب رساله، «در آداب حمام رفتن» نکته‌های گوناگونی آورده است و شیوه نگارش خود را نیز توضیح می‌دهد: «آنچه باید انسان در حمام بکند و اول به جهت تیمن و تبرک، بعضی احادیث را ذکر می‌کنیم بعد آنچه موافق حکمت است، از حضرت امیرالمؤمنین ... فرمودند که خوب خانه‌ای است حمام، انسان را متذکر جهنم می‌کند و چرک را می‌برد...»^۴ در این باب، احادیث بسیاری از کارها و اعمالی که در حمام جایز است و توصیه‌هایی در چگونگی حمام رفتن، با استناد به احادیث و روایات ائمه (ع) آمده است. «حضرت صادق فرمودند که سر خود را با برگ سدر بشوئید، به جهت آنکه او را دعا کرده است هر ملک مقربی و مرسلی. و هر کس سر خود را با سدر بشوید، خدا هفتاد روز وسوسه شیطان را از او دور کند و هر کس هفتاد روز وسوسه شیطان از او دور شود، گناه نخواهد کرد و هر کس گناه نکند، داخل بهشت شود».^۵ پس از استناد به روایات و احادیث، می‌نویسد: «و اما آنچه از حکمت استنباط می‌شود؛ بدان که موافق حکمت آن است که چون انسان داخل جامه کن حمام شود، به آرامی داخل شود؛ قدری مکث کند که با هوای آن انس گیرد». او دستوراتی قدم به قدم برای ورود به حمام، نشستن در حمام برای متناسب شدن دمای بدن و شروع استحمام داده است. توصیه‌های او که بر مبنای طب سنتی و مزاج‌های چندگانه است، این چنین ادامه می‌یابد: «روانی است که صفرای مزاجان، ناشتا داخل شوند یا در روزی که روزه دارند که بسیار مضر است».^۶

۱. همان، ص [۳-۴].
۲. همان، ص [۵-۶].
۳. همان، ص [۷].
۴. همان، ص [۸].
۵. همان، ص [۱۲].
۶. همان، ص [۱۲].

او درباره استفاده از آب گرم و سرد، توصیه‌های پزشکی دارد: «شستن بدن را به آب سرد، چند شرط است: اول آنکه باید مزاج گرم باشد و گوشت معتدل داشته باشد؛ یعنی مزاجش سرد، و لاغر نباشد؛ دویم آنکه در وقت گرمی هوا باشد، نه در طرف روز که هوا سرد باشد؛ سیم آنکه صاحب نزله و ضعف دماغ و صاحب زکام نباشد، که بسیار مضر است...»^۱

محمدکریم خان کرمانی، در باب دوم رساله «در کتاب‌های متعلقه به حمام»، دعاهای گوناگونی را برای تمامی کارهایی که مردم در حمام انجام می‌دادند، گرد آورده است: «بدان که چون داخل حمام شوی، باید بخوانی بسم الله الرحمن الرحیم و پای چپ را مقدم داری و نزدیک غروب و میان نماز مغرب و عشا به حمام نرود که وقت غلبه شیاطین است؛ چنین ذکر کرده‌اند علما و بی وجه نیست».^۲

او برای کفش کردن، برای کندن زیرجامه و انداختن لنگ، در خانه اول حمام، در گرم خانه، برای سرتراشی، برای فارغ شدن از سرتراشی، برای بیرون آمدن از حمام، «برای پوشیدن رخت، برای شارب زدن و ناخن چیدن، و برای شانه کردن، برای روغن مالیدن، برای آئینه نظر کردن، برای عمامه بستن و انگشتر به دست کردن و برای عطر به کار بردن» ذکرها و دعاهایی را توصیه کرده است.

در این رساله در توضیح ذکر «نعوذ بالله من النار»، آمده است: «چرا که حمام بسیار شبیه به جهنم است، چرا که از زیر آن آتش است و از بالا آتش است و از بالا دودها بالا می‌رود و آب گرمش مانند جهنم است و مردم در آن عریان افتاده ... و چرک‌ها در آن می‌ماند و مردم پاک شده، بیرون می‌روند؛ مانند عاصیان اهل توحید که در جهنم پاک می‌شوند و بیرون می‌روند و کفار مانند چرک‌ها و کثافت‌ها و شیاطین در حمام می‌مانند».^۳

کرمانی که با جلوه‌های فرهنگ غربی مخالف است، در باب سوم می‌گوید: «اگر کسی موی سر را تراشد، آن را نظیف نگاه دارد و شانه کند تا شیاطین در آنجا سکنی نکنند و با صابون یا خطمی با سدر بشوید و فرق را بکشاید، ولی تراشیدن بهتر است و به طریق فرنگیان بعضی را تراشیده، بعضی را بگذارند، مذموم است و مستحب است تدویر ریش؛ یعنی آن را گرد کنند و مستحب است تخفیف دادن ریش به این طور که از روی صورت خود قدری بتراشد و از زیر ریش هم یک قدری بتراشد و سرش آن است که ریش پر پشت، عرق در تابستان بیشتر کند و گرد و غبار و چرک بیشتر گیرد و شپش در آن بیشتر افتد و به واسطه اوساخ عفونت کند».^۴ او در تایید ادعای خود، از امام صادق (ع) نقل کرده است: «چرا که حضرت صادق (ع) فرمودند: زیاده از یک قبضه در آتش جهنم است؛ پس دست بر ریش خود گرفته، آنچه از یک قبضه زیاده باشد، آن را بچینند». توصیه‌هایی که کرمانی در بخش‌های گوناگون این رساله می‌کند، افزون بر این که در محتوای

۱. همان، ص [۱۶].

۲. همان، ص [۱۹-۲۰].

۳. سیل.

۴. همان، ص [۲۰].

۵. همان، ص [۲۸-۲۹].

خود بحث کرده است، شرایط بهداشتی و خصوصاً بهداشت عمومی آن دوره را به خوبی روشن می کند. نویسنده در اعتراض به تغییر عادت آرایش ظاهری مردمان در دوره قاجار که به سمت نوگرایی متمایل بوده اند، تأکید می کند: «بالجمله حرام است تراشیدن موی ریش خود را شبیه به زنان کردن و معلوم است که شیوه یهود و مجوس، تراشیدن ریش بوده و در این زمان ها که سیرت فرنگیان و اتباع ایشان است؛ پس مؤمن نباید که خود را شبیه به یهود و نصاری و مجوس کند ... جایز نیست که دلّاکان ریش مردم را به طمع پول گرفتن بتراشد و اعانت برگناه کنند. پس این عمل حرام است بر دلّاکان و بر مشتری، هردو»^۱. محمد خان کرمانی، باب چهارم «در کیسه کشیدن و سنگ پا به کار بردن» را این چنین آغاز می کند: «بدان که کیسه کشیدن در حَمّام بسیار نافع است و خواص دارد و از آن جمله: چرک را زایل می کند و شیطاین به آن واسطه از انسان دور می شوند و مسامات بدن را باز می کند و بخار بدن را بیرون می کند و خیالات را کم می نماید... و اختلاجات و پریدن اعضا را برطرف می کند و بدن را سبک می کند... و خلاصه منافع بسیار دارد»^۲.

آن گاه درباره ویژگی های کیسه، با موشکافی می نویسد: «بهترین کیسه ها، کیسه های پشمینه است که خالی از مو باشد و بسیار لطیف باشد و سوراخ نشده باشد و بلند باشد که از بند دست دلاک بگذرد و گشادتر از دست نباشد که غیر از اینها باشد، صدمه رساند»^۳.

کرمانی در مقام یک طبیب، درباره بهداشت عمومی و بیماری های واگیردار آن روزگار، بیمناک است و به دلّاکان توصیه می کند: «الحذر، الحذر از کیسه که به بدن اصحاب سودا و خوره^۴ و کوفت^۵ و اشک و اصحاب زخمها خورده باشد که عمده سرایت ناخوشی ها از این می شود و همچنین سرایت می کند این ناخوشی ها به واسطه لنگ های حَمّام را بستن و بر روی لنگ های حَمّام نشستن و بر زمین حَمّام نشستن، پیش از آنکه آن مکان را پاکیزه بشود. پس حذر کنند از کیسه های عام دلّاکان»^۶.

در این قسمت، متناسب با انواع مزاجها، توصیه هایی برای استفاده از ترکیب های گیاهی در هنگام کیسه کشیدن چون برگ سدر، لعاب خطمی، اردجو، اردباقالا و پوست خربزه داده است. او درباره سنگ پا زدن، این چنین می نویسد: «در سنگ پا به کار بردن، بدان که بهترین سنگ پاها آن سنگی است که سوراخ سوراخ و متخلخل باشد، ولی از برای آن نازک بدانان و اشخاص رطوبتی، نرم تر و برای سودازیان، خشن تر و زبرتر باید باشد»^۷ و درباره خواص آن نوشته است: «باعث جذب بخار است، باعث رفع درد سر می شود و گرفتگی

۱. همان، ص [۳۲-۳۳].

۲. همان، ص [۴۴].

۳. همان.

۴. جذام.

۵. سیفلیس.

۶. همان، ص [۴۵].

۷. همان، ص [۴۹-۵۰].

دل را سودمند است».

در بخش مشمت و مال بدن، درباره شیوه مشمت و مال و بایدها و نبایدها و ویژگی‌های دلاک نوشته است: «بهترین دست‌ها برای مالش، دست گوشتی بزرگ است و بدتر از همه، دست لاغر کوچک. و باید مالش به حد درد آوردن نرسد که انسان کوفته و خسته شود، چرا که مقصود از مالش، غالباً رفع خستگی است، نه خستگی است، نه خسته شدن»^۱.

«خضاب کردن»^۲ موضوع مورد بحث در باب پنجم است. نویسنده پس از نقل روایات از پیامبر (ص) و ائمه که درباره فواید استفاده از حنا و دیگر ترکیب‌ها آمده است، چند ترکیب برای استفاده معرفی می‌کند. یکی از مفصل‌ترین و دقیق‌ترین باب‌ها، باب ششم «در رگ زدن و حجامت نمودن و زالو انداختن» است. بخش‌بندی این فصل، دقیق‌تر از دیگر باب‌هاست و مطالب آن تخصصی‌تر است. دانش و آگاهی‌های پزشکی سنتی محمدکریم کرمانی در بررسی گفتار این باب، بیشتر روشن می‌شود.

در مقدمه در تعریف اشکال «درخون کم کردن» می‌آورد: «وان پنج قسم است: یکی رگ زدن و یکی حجامت کردن و یکی زالو انداختن و یکی گوش تیغ زدن و یکی خون از بینی جاری کردن... و اگر چه زالو انداختن و خون از بینی جاری کردن، دخلی به دلاکی ندارد، اما به مناسبت رگ زدن و حجامت نمودن، ذکر آنها هم بد نیست»^۳.

در آغاز، این‌گونه می‌نویسد: «در شروط مطلق خون گرفتن، بدان که خون، قوام بدن است و ترکیب روح است و کم کردن روانی است، مگر در وقت حاجت که طیب حاذق بگوید و رخصت دهد و شرط لازمه آن، بیست و هشت شرط است... اگرچه تمیز بسیاری از اینها، موقوف به طیب است، لکن مقصود ما نه آن است که این کتاب به کار همان دلاک آید، بلکه به کار همه کس آید. بسیاری از مردم نفهمیده، خون کم می‌کنند و ضررها می‌بینند. خواستیم این شروط را بنویسیم که اگر به دست طیب نرسد، اقلأ هر قدر ممکن باشد، از این شروط را ملاحظه می‌کنند تا ضرر کمتر بینند و آنگهی که به طور اجمال اغلب مردم می‌توانند معلوم کنند، پس نفعی نخواهد بود»^۴.

کرمانی در سراسر این باب، به شرح جزئیات پرداخته و توصیه‌هایی را در اختیار می‌گذارد. پس از طرح شروطی برای خون گرفتن، به «شروط خاصه فصد» پرداخته است. در این شرط‌های بیست‌گانه که به شرایط جسمی شخص علیل پرداخته است، درباره چگونگی انجام کار فصد، چگونگی نشستن شخصی که خون می‌دهد، شیوه استفاده از نیشتر، شیوه رگ‌زدن و پیدا کردن رگ، مراقبت در هنگام رگ‌زدن و رفتن خون و داروهای مورد استفاده روی محل بریدگی، اطلاعاتی را به تفصیل در اختیار می‌گذارد. او در سراسر

۱. همان، ص [۵۲].

۲. رنگ کردن به خصوص با حنا.

۳. همان، ص [۶۲].

۴. همان، ص [۸۹-۹۱].

۵. رگ زدن.

این فصل از باب «رگ زدن»، به معرفی جامعی از رگ‌های بخش‌های مختلف بدن، بلندی و کوتاهی، عمق آنها و شیوه رگ زدن آنها پرداخته است.

کرمانی درباره ابزارهای کار، این چنین نوشته است: «چند چیز برای فسادان ذکر کرده‌اند که باید حاضر داشته باشد، یکی برای نیشتری که سر آن بسیار نازک باشد و نیشتری که پهن تر باشد... دویم پر مرغی بلند باید حاضر داشته باشد که اگر علیله دلش به هم بخورد بعد از فصد و تهوعش بشود، به زودی او را قی فرماید تا غشی عارض نشود. سیم خشکه بندها... و پوست پسته... که اگر خون بند نرفت، به آنها معالجه کند و بند آورد و پشم خرگوش برای بستن خون بسیار نافع است و از آن بهتر، صمغ روی خرنوب و چسبندگی آن روی آن است که با چاقویی تراشیده نگاه دارد و در وقت حاجت بر موضع باشد و نیشتر در وقت رسیدن نیشتر به شریان، حاجت به آن چیزها شود».^۱ در پایان این فصل تذکر می‌دهد: «اما باید دلاکان جرئت بر فصد مسلمانان نکند تا طیب حاذق حکم نکند به فصد و تعیین رگ نماید و مقدار خون را بیان کند و به طمع صد دینار، عبث عبث رگ کسی را نگشاید».^۲

در فصل سوم این باب که به حجامت اختصاص دارد، درباره شیوه‌ها و وسایل حجامت، این چنین آورده است: «حجامت دو گونه است: یکی با تیغ و یکی بی تیغ امالی تیغ همان بادکش کردن است و آن با دهان می‌شود و با آتش هم می‌شود و به اینکه قدری خمیر یا کله بر روی عضوگذار و فیتیله ساخته، آن را آتش زده، روشن کند و بر آن خمیر نهد و شاخ حجامته یا شیشه یا کوزه بر آن نهد، آن عضو بادکش شود یا آنکه ته کوزه سرفراخی کوچک را به غایت گرم کرده و سر کوزه را بر عضو نهد».^۳ کرمانی نکاتی نیز درباره زمان انجام حجامت و توصیه‌های بهداشتی به فرد حجامت شونده دارد.

در فصل چهارم «در زالو انداختن»، به معرفی انواع زالوها اعم از زالوهای سمی و غیرسمی پرداخته و شیوه انجام کار را قدم به قدم شرح داده است. او ماده‌هایی چون مازوی سوخته، آهک، خاکستر برای درمان محل گزیده شده پیشنهاد کرده است. پس از شرح فایده‌ها، «خون از دماغ جاری کردن» و شیوه انجام کار آمده است: «در این مقامات، علوم بسیار است و متعلقات بسیار دارد و در سایر کتاب‌ها نوشته‌ام، ولیکن چون مقصود برای دلاکان است زیاده حاجت نباشد؛ پس به همین قدر در اخراج خون، کفایه می‌کنیم. انشاءالله»^۴ یکی دیگر از بخش‌های کتاب که میزان آگاهی محمد کریم کرمانی را از دانش پزشکی روشن می‌کند، باب هفتم «در کندن دندان» است. او ابتدا ابزارها را معرفی می‌کند و سپس شیوه کار را شرح می‌دهد: «از برای آن، الاتی معین است و خود دلاکان دارند برای کندن دندان و برای ریشه کشیدن و آلتی هم فرنگیان ساخته‌اند که در وصفش در نوشتن درست نمی‌آید و نقش آن هم در کتاب مشکله است، چرا که آنها که

۱. همان، ص [۷۸-۷۹].

۲. همان، ص [۸۲].

۳. همان، ص [۸۴-۸۵].

۴. همان، ص [۹۰].

نسخه می‌کنند، درست نمی‌توانند کشید. لابد حواله به خارج می‌شود که تحصیل کرده ببینند»^۱

نویسنده در باب هشتم که درباره چیدن ناخن است، به ارائه روایت و احادیث بسنده کرده است. در باب نهم که به ختنه اختصاص دارد، احادیث و روایات گوناگونی درباره روز ختنه (هفتمین روز تولد نوزاد پسر)، ذکر ختنه، عقیقه^۲ و آداب و عقاید پس از آن آورده است.

در باب دهم، درباره فایده‌های شانه کردن مو و محاسن و استفاده از عطر، با استناد به احادیث و روایات، نکاتی ذکر شده است. محمد کریم کرمانی در پایان کتاب، می‌نویسد: «چون به اینجا رسید آنچه در نظر بود که در این رساله نوشته شود، به انجام رسید و اگر چون سؤال از متعلقات دلاکی بود، لکن خواستم بعضی چیزها که مناسبتی به آن دارد و به کار مشتری و سایر مؤمنین می‌آید آنها هم در این رساله نوشته شود، لهذا بعضی مطالب دیگر هم به رشته تحریر درآمد. پس به همین جا ختم می‌کنیم این رساله را و اینجا کلام منقطع شد. در روز چهارم محرم الحرام سنه هزار و دویست و هفتاد و دو هجری، تحریر پذیرفت»^۳.

ناگفته‌های بسیاری در لابه‌لای متون گذشتگان وجود دارد که با بررسی آنها می‌توان درباره چگونگی انجام کار حرفه‌های گوناگون، به اطلاعات ارزشمندی دست یافت. گرمابه‌داری و دلاکی، از مشاغل سنتی دوره‌های گذشته، از آداب، رفتارها و ضوابطی برخوردار بوده است. محمد کریم کرمانی در رساله در متعلقات به صنعت دلاکی، جزء به جزء وظایف دلاک را شرح داده است. نگاه سنت‌گرایانه او و دیدگاه منتقدانه در برابر جلوه‌های فرهنگ غربی، در گفتار او آشکار است. گفتار او نشان می‌دهد که از بیماری‌ها و شرایط بهداشت فردی در جامعه آن روزگار آگاه بوده است و توصیه‌هایی هرچند ناکارآمد، برای جلوگیری از عمومی شدن بیماری‌ها دارد. ارزش این رساله در روشن شدن شرایط حمام‌ها، وظایف دلاک و رفتار و اعمالی است که مردم در دوره قاجار در حمام انجام می‌داده‌اند و افزون بر آن، گوشه‌ای از شرایط بهداشت عمومی، از لابه‌لای این سطرها نمایان می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. همان.
۲. قربانی کردن.
۳. همان، ص [۱۰۴].

